

Original Article

Iran's Criminal Policy in the Field of Combating Unauthorized Change of Agricultural Land Use Based on Moral-Legal Teachings and Intergenerational Justice

Ruhollah Mostafa Nejad Mousavi¹, Sadegh Salimi^{2*}, Karen Rouhani³

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Department of Law, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran.
2. Associate Professor, Faculty of Humanities, Department of Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: sad.salimi@iauctb.ac.ir
3. Assistant Professor, Faculty of Humanities, Department of Law, Islamic Azad University, Ghaemshahr Branch, Ghaemshahr, Iran.

Received: 27 Jul 2021 Accepted: 3 Nov 2021

Abstract

Background and Aim: As human interventions surpassed the power of natural regeneration, its adverse effects became apparent. The evidence for these destructive effects is such that everyone understands well by comparing the current environment with the past. Increasing the change of use and illegal occupation of government and public lands in recent decades in Iran, despite the existence of laws and regulations in this field and the activity of various executive and judicial organizations to deal with this phenomenon, is one of the basic problems of our country.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the data collection is library which has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: How to determine the nature and type of land in Iran's criminal policy is not sufficiently coherent and there is no specific definition for the trustees and even the conditions for executors not stated in the law, which leads to severe weakness of diagnostic votes and consequently easily reverse them in the judiciary.

Conclusion: The Iranian legislator has not paid enough attention to the causes of the crime of unauthorized change of land use. This issue has caused that agricultural lands, which are known as the most fertile lands, cannot be preserved for the future generations by maintaining the principles of intergenerational justice, and this condition has provided the basis for the violation of the natural rights of future generations.

Keywords: Land Use Change; Illegal; Land; Criminal Policy; Intergenerational Justice

Please cite this article as: Mostafa Nejad Mousavi R, Salimi S, Rouhani K. Iran's Criminal Policy in the Field of Combating Unauthorized Change of Agricultural Land Use Based on Moral-Legal Teachings and Intergenerational Justice. *Bioethics Journal*, Special Issue on Ethical & Legal Reflections 2021; 299-316.

سیاست جنایی ایران در زمینه مبارزه با تغییر غیر مجاز کاربری اراضی زراعی با تکیه بر آموزه‌های اخلاقی - حقوقی و عدالت بین نسلی

سیدروح‌الله مصطفی‌نژاد موسوی^۱، صادق سلیمی^{۲*}، کارن روحانی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ساری، ایران.

۲. دانشیار، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: sad.salimi@iauctb.ac.ir

۳. استادیار، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم‌شهر، قائم‌شهر، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۵/۵ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: با پیشی‌گرفتن مداخلات انسان از توان بازسازی طبیعی، اثرات نامطلوب آن نمایان شد. شواهد این اثرات مخرب به نحوی است که هر کس با مقایسه محیط فعلی با گذشته به خوبی آن را درک می‌کند. افزایش تغییر کاربری و تصرف غیر قانونی زمین‌های دولتی و عمومی در چند دهه اخیر در ایران، علیرغم وجود قوانین و مقررات در این زمینه و فعالیت سازمان‌های اجرایی و قضایی مختلف برای مقابله با این پدیده، یکی از معضلات اساسی کشور ما است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری است، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و ضمن مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: نحوه تشخیص ماهیت و نوع اراضی در منظومه سیاست جنایی ایران از انسجام کافی برخوردار نبوده و تعریف مشخصی برای متولیان و حتی شرایط مجریان آن در قوانین بیان نشده است که این خود موجب ضعف شدید آرای تشخیصی و به تبع آن موجب نقض راحت آن‌ها در مراجع قضایی می‌گردد.

نتیجه‌گیری: قانونگذار ایرانی به علل وقوع جرم تغییر غیرمجاز کاربری اراضی توجه بایسته نداشته است. این موضوع موجب شده است که زمین‌های زراعی که به عنوان حاصلخیزترین زمین‌ها شناخته می‌شوند، نتوانند با حفظ اصول عدالت بین نسلی برای نسل‌های آینده به ارمغان مانده و این شرایط زمینه نقض حق طبیعی آیندگان را فراهم آورده است.

واژگان کلیدی: تغییر کاربری؛ غیر مجاز؛ اراضی؛ سیاست جنایی؛ عدالت بین نسلی

۱. مقدمه

توسعه اقتصادمحور، اکوسیستم‌های زیست‌محیطی و کشاورزی را شدیداً تحت تأثیر خود قرار داده و باعث شده مالکین و صاحبان اراضی مستعد کشاورزی و باغی، به انگیزه‌های اقتصادی و کسب سود بیشتر به دنبال تغییر کاربری و استفاده از سایر کاربری‌ها باشند و از طرفی در کمال تأسف، توسعه شهری و ساخت فضاهای مسکونی و تأسیسات شهری نیز غالباً در اراضی مستعد و حاصلخیز کشاورزی شکل می‌گیرند (۱). برخی از اراضی بنا بر قانون، صرفاً جهت کاربری‌های خاصی قابل استفاده هستند. در صورتی که مالک متصرف آن باشد و نوع کاربری ویژه‌ای را که قانون برای آن در نظر گرفته، تغییر دهد، آثار منفی آن دامن‌گیر طبیعت، اقتصاد، محیط زیست و اجتماع خواهد شد (۲)، لیکن هرگاه این انحراف جنبه مجرمانه پیدا کند و از حالت منفعل و ایستا به حالتی فعال و محسوس و آشکار تبدیل گردد، انحراف اجتماعی عنوان بزه و جرم به خود می‌گیرد، در نتیجه جامعه نیز برای حفاظت از آموال و آرمان‌های خود واکنش قهرآمیزی از خود نشان می‌دهد و چون حفظ حقوق و آزادی‌های فردی از دیگر آرمان‌های جامعه بشری می‌باشد، ناگزیر جامعه قبل از ارتکاب عملی به اعضای خود هشدار می‌دهد که در صورت ارتکاب چنین افعالی با واکنش اجتماعی مواجه خواهند شد.

در سال ۱۳۴۰ با تصویب قانون اصلاحات ارضی، نخستین گام برای جلوگیری از خردشدن اراضی کشاورزی برداشته شد و این روند در سال ۱۳۵۴ با تصویب قانون گسترش قطب‌های کشاورزی و در سال ۱۳۵۹ با تصویب لایحه قانونی مجازات اخلال در امر کشاورزی و دامداری ادامه یافت. این موضوع را اولین بار در سال ۱۹۷۴ James Tobin (اقتصاددان) تحت عنوان حفظ منافع آیندگان در مقابل ادعاهای نسل حاضر معرفی کرد. بنا بر گزارش کمیته اقتصاد و تلفیق کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۶ امروزه مهم‌ترین اصل توسعه پایدار، عدالت بین نسلی است، به این معنا که هر نسل حداقل می‌باید به اندازه‌ای که خود به منابع و ثروت‌های عمومی دسترسی داشته، به نسل بعد منتقل نماید (۳).

علاوه بر سیاست جنایی ایران در حوزه مبارزه با تغییر غیر مجاز کاربری اراضی بایستی گفت که عدالت بین نسلی بر این امر مبتنی است که چه میزان از منابع طبیعی جهانی، از جمله اراضی زراعی را نسل فعلی باید مصرف کند و چه مقدار از این منابع را باید برای نسل‌های بعد یا کسانی باقی گذارد که به هیچ‌وجه در تصمیم‌گیری‌های فعلی نقشی ندارند (۴)، البته بایستی این نکته را خاطر نشان نمود که عدالت بین نسلی در چارچوب همان حق بر محیط زیست به عنوان یک حق نسل سومی قرار می‌گیرد. امروزه حق بر محیط زیست، در کنار حق بر صلح، حق بر توسعه و حق بر میراث مشترک بشریت به عنوان نسل سوم حقوق بشر شناسایی شده‌اند؛ نسل سوم حقوق بشر به عنوان حقوق برادری نیز نامیده می‌شود، اما بر اساس پیش‌نویس میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی که در سال ۱۹۸۲ توسط سازمان ملل متحد تهیه شد، اصطلاح حقوق همبستگی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد (۵). از سوی دیگر، عدالت بین نسلی نمایانگر مدیریت پایدار اراضی کشور و احتراز از تغییر کاربری آن‌هاست. برای دستیابی به مدیریت پایدار کاربری اراضی که از یک طرف به استمرار کارکردهای مطلوب این اراضی و حفظ و بهبود سلامت و کاربری آن‌ها و از طرف دیگر جلوگیری از اثرات نامطلوب بر روی محیط فیزیکی و اجتماعی و تأمین رفاه برای نسل حاضر و آینده تأکید می‌نماید، ابزارهایی مانند شاخص‌ها و معیارها مطرح شده‌اند تا بتوانند مزیت‌ها و شکاف‌های وضع موجود را جهت دستیابی به مدیریت پایدار این اراضی بسنجند (۶).

هدف از پژوهش حاضر بررسی و شناسایی سیاست جنایی ایران در قبال تغییر کاربری غیر مجاز اراضی کشاورزی است. در ارتباط با اهمیت این تحقیق باید به این نکته عنایت داشت که اراضی کشاورزی در کشور ایران به واسطه اقلیم خشک و نیمه‌خشک دارای اهمیت به‌سزایی هستند. این اراضی نقش اصلی را در تولید غذا ایفا می‌کنند و از طرفی نیز کشاورزی و گسترش آن یکی از متغیرهای مهم در اقتصاد غیر نفتی محسوب می‌شود که دولت جمهوری اسلامی ایران نیز سال‌هاست که در جهت عدم وابستگی اقتصادی به نفت برنامه‌ریزی و حرکت می‌کند، در نتیجه مبارزه با مسأله تغییر

غیر مجاز کاربری اراضی کشاورزی از اهمیت فراوانی برخوردار است.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که سیاست جنایی ایران در زمینه مبارزه با تغییر غیر مجاز کاربری اراضی زراعی چگونه است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش دنبال می‌شود، این است که یک سیاست جنایی منسجم و یکنواخت در نظام حقوق کیفری ایران برای مبارزه با تغییر غیر مجاز کاربری اراضی زراعی دنبال نمی‌شود و تا زمانی که چالش‌های موجود مورد توجه قانونگذار قرار نگیرد، نمی‌توان از وجود یک الگوی مشخص و دقیق در سیاست جنایی ایران سخن به میان آورد.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر باید توجه داشت که در خصوص تغییر کاربری اراضی کشاورزی مطالعات متعددی در داخل کشور صورت گرفته است که در ادامه به شرح چند مورد می‌پردازیم:

محمدی و خدابنده‌لو (۱۳۹۹ ش.) در مطالعه خود ارزیابی تغییرات کاربری اراضی در شهر زنجان را طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۹ بررسی و نشان دادند که ۱۲۶۴ هکتار از اراضی دیم، ۶۴۸ هکتار از مراتع، ۱۴۲ هکتار زراعت آبی و فضای سبز و ۱۲۲ هکتار از شبکه دسترسی راه‌ها تغییر کاربری داده شده و مناطق حومه‌ای جدید مانند شهرک الهیه، گلشهر، کاظمیه، کارمندان، کوی سایان، کوی فرهنگ، کوی فاطمیه و شهرآرا در این دوره توسعه یافته‌اند؛ این امر ضرورت توجه به موضوع گسترش شهری و پیامدهای آن را در شهر و پیرامون آن نشان می‌دهد (۷).

خاکپور و همکاران (۱۳۸۶ ش.) در پژوهشی تحت عنوان الگوی تغییر کاربری شهر بابل عوامل مؤثر بر تغییر کاربری اراضی را به سه دسته تقسیم نموده‌اند که شامل: ۱- عوامل قانونی؛ ۲- عوامل اقتصادی؛ ۳- عوامل جمعیتی می‌باشد که مورد سوم در تغییرات کاربری اراضی از مهم‌ترین عوامل است، به طوری که دو عامل دیگر را نیز تحت شعاع قرار می‌دهد (۸).

بی‌همتای طوسی و همکاران (۱۳۹۲ ش.) در مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی روند تغییرات پوشش اراضی اصفهان در چهار دهه گذشته با استفاده از سامانه سنجش از دور به

بررسی تغییر کاربری محدوده اصفهان طی سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۷ پرداختند و نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که از کل مساحت ۳۴۵۲۰ هکتار از اراضی شهر اصفهان، ۳۳۶۰ هکتار دستخوش تغییر کاربری شده است (۹).

امان‌پور و همکاران (۱۳۹۶ ش.) با استفاده از آنالیز تصاویر ماهواره‌ای در محیط ENVI تغییرات کاربری اراضی در کلان‌شهر اهواز را بررسی کردند، نتایج این تحقیق نشان داد که طی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۳ نزدیک به ۲۳ درصد از سهم اراضی بایر و زمین‌های کشاورزی کم شده و در طرف مقابل سهم اراضی ساخته‌شده از ۱۶/۳۵ به ۳۴/۵۵ افزایش یافته است که بیشترین آن‌ها مربوط به مناطق جنوبی و شرقی اهواز بوده است (۱۰).

با در نظر گرفتن حوزه پژوهش‌های مشابه، اساساً تا کنون سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در زمینه پیشگیری از جرم تغییر کاربری غیر مجاز اراضی زراعی و باغی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است که در پژوهش حاضر نگارندگان به آن خواهند پرداخت. همچنین با در نظر گرفتن متغیرهای پژوهش حاضر در ارتباط با قلمرو پژوهش باید عنایت داشت که بررسی سنتی و تفصیلی ارکان جرم تغییر کاربری زمین‌های زراعی در قلمرو موضوعات پژوهش حاضر قرار ندارد. در واقع هدف نگارندگان تعیین رویکرد سیاست جنایی نظام حقوق کیفری ایران در ارتباط با پیشگیری از جرم مزبور می‌باشد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری است؛ روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای بوده است و داده‌ها با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات جمع‌آوری شده‌اند.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که قانونگذار در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲ قانون اصلاح جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب ۱۳۵۲، تصرف غیر قانونی و عدوانی اراضی را جرم و قابل مجازات دانسته است. طبق ماده ۱۰ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغی مصوب ۱۳۷۴، هرگونه تغییر کاربری بدون اخذ مجوز از مرجع ذیصلاح ممنوع است، در صورتی که در اراضی زراعی و باغها، موضوع قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی و باغها، بدون رعایت ضوابط و مقررات مربوطه و اخذ مجوز از کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ و یا موافقت سازمان جهاد کشاورزی در قالب طرح‌های تبصره ۴ الحاقی قانون مذکور، حسب مورد اقداماتی صورت گیرد و مانع از تداوم تولید و بهره‌برداری و استمرار کشاورزی شود، به عنوان مصادیق تغییر کاربری غیر مجاز تلقی می‌گردد.

همچنین قانونگذار در قانون اصلاحی مصوب سال ۱۳۸۵ به دنبال اعمال نظارت بیشتر در جهت حفاظت از کاربری اراضی زراعی و وضعیت تغییر کاربری آن‌ها بوده است و به همین منظور در ماده ۱۰ قانون مذکور مقرر کرده است: «مأمورین جهاد کشاورزی در صورت برخورد با موارد تغییر کاربری غیر مجاز و نقض قانون مربوطه موظف می‌باشند نسبت به توقیف عملیات غیر مجاز در اراضی مورد بحث اقدام نموده و مراتب را به اداره متبوع جهت انعکاس به مراجع قضایی اعلام نماید. بنابراین از مهم‌ترین گام‌ها در جهت مقابله با تصرف زمین‌های عمومی، افزایش مسئولیت دولت در بهره‌برداری مناسب از زمین و منطبق با منافع عمومی، مشخص کردن دقیق نقشه‌های ثبتی و پیاده کردن کامل نظام Cadastre و اتخاذ قوانین و مقررات شدید علیه متصرفات زمین است.

با در نظر گرفتن همه این موارد باید ذکر کرد که نحوه تشخیص ماهیت و نوع اراضی در سیاست جنایی ایران از انسجام کافی برخوردار نبوده و تعریف مشخصی برای متولیان و حتی شرایط مجریان آن در قوانین بیان نشده که این خود موجب ضعف شدید آرای تشخیصی و به تبع آن موجب نقض راحت آن‌ها در مراجع قضایی می‌گردد.

۵. بحث

۱-۵. مفهوم تغییر کاربری و پیشینه سیاست جنایی ایران در این زمینه: در این قسمت ابتدا مفهوم تغییر کاربری و سپس پیشینه سیاست جنایی ایران در ارتباط با این جرم مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۱-۵. مفهوم تغییر کاربری: قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب سال ۱۳۷۴ و ۱۳۸۵ و همچنین آیین‌نامه‌های اجرایی آن تعریفی از کاربری ارائه نمی‌دهد تا با استفاده از آن مفهوم تغییر کاربری مشخص شود. کاربری زمین را به عنوان دسته‌ای از فعالیت‌ها که برای یک یا چند کالا و خدمت در یک قطعه به کار می‌رود، تعریف می‌نمایند که عبارت است از الگوها، فعالیتها و نهادهایی که مردم در یک نوع از پوشش اراضی خاص به منظور انجام عملیات تولیدی یا تغییر و حفاظت از آن به کار می‌گیرند، اما تغییر کاربری اراضی کشاورزی عبارت است از هرگونه اقدام که مانع از بهره‌برداری و استمرار کشاورزی اراضی زراعی و باغها شود و این اقدامات در قالب فعالیت‌هایی نظیر ایجاد بنا، برداشتن یا افزایش شن و ماسه و سایر اقداماتی که بنا به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی تغییر کاربری محسوب شود. صرفاً در بند «د» از ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مصوب سال ۱۳۸۵ در تعریف تغییر کاربری بیان داشته است: «هرگونه اقدامی که مانع از بهره‌برداری و استمرار کشاورزی اراضی زراعی و باغها در قالب ایجاد بنا، برداشتن یا افزایش شن و ماسه و سایر اقداماتی که بنا به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی، تغییر کاربری محسوب شود» تغییر کاربری محسوب می‌گردد. مسلماً نوع استفاده و بهره‌گیری از زمین، کاربری آن را تعیین می‌کند، در نتیجه کاربری اراضی زراعی، زراعت هر نوع محصول کشاورزی و کاربری باغ، استفاده از زمین برای کاشت و نگهداری درخت است. بنابراین اراضی ملی و دولتی نظیر مراتع، جنگل‌ها، کوه‌ها و بیشه‌زارها شامل این قانون نمی‌شوند، زیرا هیچ کدام از اراضی ملی و دولتی، زراعی و باغی محسوب نمی‌شوند تا بتوان در آن‌ها به زراعت و باغداری و کاشت درخت پرداخت (۱۱). در پایان نیز بایستی گفت که بند «د» ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مقرر می‌دارد تغییر

کاربری هرگونه اقدام که مانع از بهره‌برداری و استمرار کشاورزی اراضی زراعی و باغ‌ها، تغییر کاربری محسوب می‌شود.

۵-۲. پیشینه سیاست جنایی ایران در زمینه مبارزه با تغییر کاربری اراضی زراعی: همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، در حال حاضر مهم‌ترین ابزار صیانت از اراضی کشاورزی در کشور، قانون حفظ اراضی کشاورزی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ می‌باشد. بر اساس این قانون مجلس شورای اسلامی و اصلاحیه بعدی آن مصوب ۱۳۸۵/۸/۱ - که نخستین بار تغییر اراضی را ممنوع ساخت - تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها در خارج از محدوده قانونی شهرها و شهرک‌ها و نیز محدوده قانونی روستاهای واجد طرح هادی ممنوع می‌باشد و در همین راستا قانونگذار مجازات‌هایی برابر قیمت یک تا سه برابر برای متخلفان تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها در نظر گرفته است که عبارت است از الزام متخلف به پرداخت جزای نقدی به میزان روز زمین با کاربری جدید و قلع و قمع بنای احداثی و اعاده زمین به وضع اولیه توسط مأمورین جهاد کشاورزی. نکته قابل ذکر اینکه هرچند قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها و سایر قوانین موضوعه می‌تواند تا حدودی جلوی تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها را گرفته و سازوکار و ضوابطی را برای تغییر این‌گونه اراضی تعیین نماید، اما موفقیت بیشتر در این زمینه مستلزم توجه به عوامل تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها می‌باشد، به گونه‌ای که با وضع قوانینی که علل تغییر کاربری را مد توجه قرار می‌دهند و در نظرگرفتن مشوق‌ها می‌توان به قانونی کارآمدتر در این زمینه دست یافت. در کشور ما سواى مشکل قبلی (خرد و تقسیم‌شدن اراضی کشاورزی پس از فوت صاحب زمین توسط ورثه) بی‌دقتی و عدم مطالعه و کارشناسی لازم به هنگام تهیه لوایح و طرح‌ها و تصویب غیر کارشناسی قوانین، معضل دیگریست. تصویب مقررات اصلاحات ارضی قبل و مشابه آن پس از انقلاب، باعث شد که تعداد بهره‌برداران بخش کشاورزی به ۲ برابر افزایش یابد که این امر نشان‌دهنده کوچک‌ترشدن اراضی کشاورزی است و راهکارهای ارائه شده، نظیر ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی و تشکیل گروه‌های مشاع (نوع جدیدی از نظام بهره‌برداری) نیز تاکنون مؤثر نبوده و اقدام اساسی برای یکپارچه‌سازی و جلوگیری از

کوچک‌ترشدن اراضی به عمل نیامده است و بدون شک تاوان سنگینی که این تصمیم‌ها برای کشور داشته، به این زودی‌ها جبران نخواهد شد.

به هر حال، در این خاک و بوم عمر حفاظت از زمین‌های کشاورزی زیاد نیست و به دلایل بسیاری، مانند وجود ابهامات و نواقص در مقررات تصویب‌شده، اجرایی‌نشدن طرح‌های آمایش سرزمین، کمبود نیروی انسانی متخصص و قیمت بسیار بالای اراضی با کاربری مسکونی یا صنعتی، همین میزان قوانین ناچیز و دیر تصویب، کارایی لازم را نداشته است. وجود موارد ابهام و ایرادات بی‌شمار در قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها، از جمله استثنای زیاد وارده بر قانون، از قبیل محدودیت حوزه عمل آن به اراضی کشاورزی خارج از محدوده قانونی شهرها و شهرک‌ها، تفویض اختیار قانونی به کمیسیون‌های موضوع تبصره ۱ ماده ۱ قانون، مبنی بر تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها، آن هم با دید کسب درآمد قابل توجه مذکور در ماده ۲ قانون (وصول هشتاد درصد قیمت روز اراضی و باغ‌های مذکور با احتساب ارزش زمین پس از تغییر کاربری بابت عوارض از مالکین) استثنای اراضی و باغات مالکین بی‌بضاعت و سایر نیازهای بخش کشاورزی و دامی، ضمانت اجرای صرف جزای نقدی تا سه برابر بهای اراضی زراعی و باغ‌ها به قیمت روز زمین با کاربری جدید و حبس (در صورت تکرار جرم) بدون لزوم اعاده وضع سابق و... باعث گردید تا قانون مذکور تأثیر چندانی در حفظ اراضی کشاورزی نداشته باشد و ابهامات موجود در قانون، باعث شد تا فی‌المثل مواردی نظیر تأسیس دامداری‌ها (گاوداری‌ها و مرغداری‌ها) که اصولاً ارتباطی با بخش کشاورزی ندارد، در زمره فعالیت‌های کشاورزی محسوب و از عوارض مورد بحث معاف شود که باعث شده به ازای هر هکتار تغییر کاربری اراضی کشاورزی که از چرخه تولید خارج می‌شود، حداقل ۳-۱ تن کاهش تولید در محصولات کشاورزی وجود داشته باشد و توجه خاص حکومت به امر کشاورزی و درک اهمیت آن در تمامی برنامه‌های اقتصادی و سیاسی کشور موجب شده است تا قانونگذار ضمانت اجرای شدیدی را برای متخلفان از این قانون در نظر بگیرد، چنانچه شخصی بدون مجوز لازم از کمیسیون مطابق

قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب مذکور اقدام به تغییر کاربری اراضی موصوف کند، مجازات نقدی تا ۱ برابر ارزش زمین به اضافه عوارض متعلقه نسبت به وی اعمال می‌شود و مالک پس از پرداخت عوارض موصوف و جریمه متعلقه می‌توانست مجوز تغییر کاربری را دریافت و سایر اقدام‌های مورد نظر خود را به انجام برساند. این نوع مجازات سبب شده بود تا برخی از سودجویان با تغییر کاربری اراضی حاشیه شهرها، دولت را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند و پس از طی روال قانونی و قضایی، سود زایدالوصفی را به دست بیاورند.

در سال ۱۳۷۱ با پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی اصلاحیه قانون مذکور ارائه و نواقص قانون قبلی تا حد زیادی رفع شد. به موجب اصلاحیه وارده، تمامی مالکان یا متصرفان اراضی زراعی و باغ‌ها چنانچه به صورت غیر مجاز و بدون مجوز از کمیسیون مذکور اقدام به تغییر کاربری غیر مجاز کنند، علاوه بر قلع و قمع بنا، به پرداخت جزای نقدی از یک تا سه برابر بهای اراضی به قیمت روز زمین با کاربری جدید و در صورت تکرار به حداکثر جزای نقدی و حبس از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهند شد. در این اصلاحیه رفع و قلع و قمع بنا و اعاده زمین به حالت سابق جزء ثابت احکام دادگاه‌ها شد و از این بابت گام مفیدی در این راه برداشته شد که قلع و قمع بنا برای متخلفین به عنوان راهکار مؤثر در مقابله با تغییر کاربری غیر مجاز بوده است.

جهاد کشاورزی برای پیشگیری از جرم تغییر کاربری اراضی و همچنین برای معرفی متخلفان از این قانون به مراجع قضایی، اقدام به تشکیل اکپ کنترل و نظارت کرده است که وظیفه آن سرکشی از اراضی کشاورزی و پیگرد قانونی متخلفان است که نحوه تشخیص اراضی زراعی و باغ‌ها سند مالکیت، استعمال محلی، وضعیت موجود زمین، سوابق کشت و کار، بنچاق و نسق زراعی، نظریه کمیسیون کیفیت و درجه بندی خاک در استان‌ها (متشکل از نماینده خاک‌شناسی، امور زمین و امور زراعی) می‌باشد. بنابراین با توجه به اهمیتی که قانونگذار برای امر کشاورزی و در نتیجه حفظ اراضی زراعی و باغ‌ها قائل شده، از آنجایی که در کشور ما امر ساخت و ساز

نیاز به اخذ مجوز از مراجع متعدد دارد، ممکن است اشخاص برای تغییر کاربری اراضی کشاورزی به برخی از این مراجع همچون بخشدارها مراجعه و بدون توجه به قوانین جهاد کشاورزی و به صرف اخذ مجوز از این مراجع، متأسفانه اقدام به تخریب اراضی کشاورزی و تغییر کاربری این اراضی می‌کنند. قانونگذار برای رفع این معضل، تدبیر لازم را اندیشیده و اعلام کرده است صدور هرگونه مجوز یا پروانه ساخت و تأمین و واگذاری خدمات و تأسیسات زیربنایی مانند آب، برق، گاز و تلفن از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط در اراضی و باغی صرفاً باید پس از تأیید کمیسیون موضوع این قانون صورت گیرد و در غیر این صورت این مجوز فاقد اعتبار لازم است و مجازات مقرر نسبت به صادرکننده این مجوزها اعمال خواهد شد. اقدام مثبت، و قابل قبول دیگر، به منظور جلوگیری از تفکیک و افراز و خردشدن اراضی کشاورزی (اعم از باغ‌ها، نهالستان‌ها، اراضی زیرکشت، آبی، دیم و آیش آن‌ها) تصویب قانون جلوگیری از خردشدن اراضی کشاورزی و ایجاد قطعات مناسب فنی و اقتصادی مجلس شورای اسلامی است. از سوی دیگر قانونگذار برای جدیت در امر حفظ اراضی کشاورزی، دامنه مجازات‌ها را نسبت به افراد خاطی گسترش داده است و تمامی کارکنان دولت و شهرداری‌ها و حتی دفاتر اسناد رسمی را نیز مشمول این قانون دانسته است. به موجب تبصره ۲ ماده ۱ قانون حفظ اراضی زراعی و باغ‌ها، هر یک از کارکنان دولت و شهرداری‌ها و نهادها که در اجرای این قانون و به تشخیص دادگاه صالحه تخطی کرده باشند، ضمن ابطال مجوز صادره به جزای نقدی از یک تا سه برابر بهای اراضی زراعی و باغ‌ها به قیمت روز زمین با کاربری جدید که مورد نظر متخلف بوده است و در صورت تکرار علاوه بر جریمه مذکور به انفصال دائم از خدمات دولتی و شهرداری‌ها محکوم خواهند شد. سردفتران متخلف نیز به شش ماه تا دو سال تعلیق از خدمت و در صورت تکرار به شش ماه حبس و محرومیت از سردفتری محکوم می‌شوند. در پایان می‌توان گفت لازم است قبل از وضع و اجرای قانون نسبت به اطلاع‌رسانی کامل و همچنین فرهنگ‌سازی آن، از طریق سازمان‌ها و نهادهای مربوطه اقدام گردد، گرچه جاهل‌بودن نسبت به مفاد قانون نمی‌تواند رافع

مسئولیت کیفری باشد، اما آگاهی از قانون و فرهنگ‌سازی آن کمک شایانی به کاهش تحقق بزه می‌نماید.

سیاست جنایی ایران در زمینه مبارزه با تغییر کاربری اراضی زراعی صرفاً شامل سیاست جنایی تقنینی نشده، بلکه سیاست جنایی قضایی را نیز دربر می‌گیرد، از جمله می‌توان به رأی وحدت رویه شماره ۷۳۰ اشاره نمود:

ماده ۳ (اصلاحی ۱۳۸۵/۸/۱) قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ که دادگاه را مکلف کرده ضمن صدور حکم مجازات برای مالکان یا متصرفان اراضی زراعی و باغ‌های موضوع این قانون که به صورت غیر مجاز و بدون اخذ مجوز از کمیسیون موضوع تبصره ۱ اصلاحی ۱۳۸۵/۸/۱ ماده ۱ قانون اقدام به تغییر کاربری نمایند، حکم بر قلع و قمع بنا نیز صادر نماید، با توجه به اینکه قلع و قمع بنا جزء لاینفک حکم کیفری است، نسبت به جرائم واقع شده پیش از لازم‌الاجرا شدن آن ماده حاکمیت ندارد.

۵-۲. مبنای فقهی - حقوقی حفاظت از کاربری

اراضی برای نسل‌های آینده: در گفتگو از اینکه چه مبنایی برای حفاظت از کاربری اراضی برای نسل‌های آینده وجود دارد، مبنای مختلفی ارائه شده است. لازم است این مبنای را از دیدگاه فقهی - حقوقی مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

۵-۲-۱. مبنای فقهی: در حقوق ایران، نگاه اجمالی به قوانین موجود، بیانگر آن است که قوانین ایران که برگرفته از برداشت‌های دینی و مذهبی و اعتقادات عمیق مردم این سرزمین است با نگاه ارزش ذاتی به محیط طبیعی، از جمله اراضی زراعی می‌نگرد (۱۲). فقه اسلامی با تکیه بر منابعی چون قرآن، سنت، اجماع و عقل بقای جاودانی خود را تضمین کرده است (۱۳). عدالت بین نسلی یک مفهوم یا دکتترین ریشه در حقوق غرب داشته و بنابراین نمی‌توان به طور صریح و دقیق، از این چنین عبارتی در منابع حقوقی اسلام نشان گرفت. به عبارت دیگر، ادبیات مربوط به این مفهوم از دهه ۷۰ میلادی وارد ادبیات حقوقی بین‌المللی شده است. با این حال، می‌توان نشانه‌هایی از مفهوم عدالت بین نسلی را در ادبیات فقهی اسلامی مشاهده نمود، اما با مبنای متفاوت، چراکه در حقوق اروپا مبنای نظریه‌پردازی عدالت بین نسلی بر حول

محور اقتصادی و مغایرت توسعه اقتصادی با استفاده مطلوب از محیط طبیعی می‌چرخد. اسلام به مقوله عدالت بین نسلی و رعایت حقوق نسل‌های آینده توجه ویژه‌ای نموده است. همانطور که احکام دین اسلام جهانی و جاودانه بوده، شامل انسان‌هایی که هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته‌اند نیز می‌شود؛ برخوردار از مواهب طبیعی، از جمله زمین نیز در اسلام به یک نسل خاص اختصاص ندارد، یعنی افزون بر عدالت درون نسلی، عدالت بین نسلی نیز جایگاه خاص خود را دارد.

در آموزه‌های اسلامی، عناصر طبیعت نظیر آب، هوا و زمین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. اسلام، محیط طبیعی را واحدی تجزیه‌ناپذیر می‌داند و انسان را از محیط طبیعی در جهان هستی جدا نمی‌داند. با وجود آنکه محیط طبیعی در اختیار انسان، به عنوان خلیفه الهی در زمین قرار داده شده است، ولی نشانه‌ای از قدرت و عظمت الهی توصیف شده که این «خلیفه» را آن‌گونه که شایسته اوست، به آن‌ها متعهد می‌نماید (۱۴). بر این اساس هرگونه استفاده و بهره‌برداری از منابع طبیعی که به تهی‌سازی منابع پایان‌پذیر یا تخریب منابع تجدیدپذیر بینجامد یا سبب آلوده‌سازی یا تغییر کاربری آن شود، بر اساس قاعده لاضرر ممنوع و وظیفه دولت است که از آن جلوگیری به عمل آورد و خود نیز از داشتن چنین سیاستی بپرهیزد (۱۵). از سوی دیگر، ضرر از نظر عمده فقها بایستی یک ضرر ملموس باشد، این در حالی که ضرر وارده بر محیط طبیعی در قالب تغییر کاربری که در نسل‌های آینده مشاهده و ملموس خواهد بود، در نسل کنونی و توسط نسل حاضر قابل کشف و بازیابی نبوده و بنابراین از این منظر نیز عدم استفاده ضررآمیز از محیط طبیعی نسبت به نسل آینده دچار چالش از منظر حقوق اسلام می‌گردد. این ملموس بودن در مراحل بعدی به تأثیراتی چون قابل رفع بودن می‌انجامد. بنابراین ضرری که قابل لمس نباشد، قابل رفع نمی‌باشد. مرحوم مراغی علاوه بر استناد به روایات به دلیل عقلی نیز اشاره نموده و در این باره می‌نویسد: «بعد ما علمنا ان هذا شی قبیح فمتی ما صدر من شخص و كان قابلاً لرفع قبحه و لم ینجز بالفعل یحکم العقل القاطع بلزوم رفع هذا العمل القبیح علی فاعله؛ بعد از اینکه دانستیم ایراد ضرر قبیح است، هرگاه ضرر از

شخصی صادر شود و قبح آن رفع‌پذیر باشد و قبح بالفعل نشده باشد، عقل به لزوم رفع عمل قبیح از طرف فاعل حکم می‌کند» (۱۶). با این حال به نظر می‌رسد که هیچ کدام از این ادله نمی‌تواند صرفاً با توجه به قضایا مطرح در مورد قاعده لاضرر به ویژه قضیه سمره بن جندب صحیح از آب درآید.

یک نکته مهم در مورد دکترین حقوقی اسلام در مورد عدالت بین نسلی آن است که سه موضوع برجسته است که در وهله نخست یک دکترین حوزه عدالت بین نسلی بایستی بدان پاسخ دهد اولین مسأله قلمروی عدالت بین نسلی است، یعنی چه کسانی مستحق دریافت منافع و یا ملزم به تحمل بار هزینه‌ها هستند؛ دوم الگوی عدالت یا مقدار شایستگی هر فرد برای دریافت و نحوه آن است؛ سومین مسأله، واحد سنجش منافع و مزایایی است که باید بر اساس قیود عدالت بین نسلی بازتوزیع گردد (۱۷) و دکترین حقوقی اسلام در این زمینه نیز مستثنی نمی‌باشد. در این راستا به نظر می‌رسد که در پاسخ به سؤال اول بایستی با توجه به نهادهای حقوقی چون حیات، نظام حقوقی اسلام، علاوه بر نسل جاری، نسل آینده را نیز مستحق دریافت منابع دانسته و بنابراین به مانند دکترین‌های حقوقی غربی نبوده که صرفاً نسل آینده یا نسل فعلی را مستحق دریافت چنین منافی بدانند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که هزینه‌ها بایستی به طور مساوی بر نسل‌های مختلف تحمیل شود و این موضوع در قرآن کریم و روایات نیز مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین از نظر منابع اسلامی، انسان به عنوان خلیفه به جای عمل در جهت سودمندی برای خدا، سلسله‌ای از ارزش‌ها را ایجاد کرده است که نتیجه آن سلطه بر طبیعت به جای حفاظت و حمایت از آن از دیدگاه امانتداری الهی است، خداوند می‌فرماید: «به راستی که انسان چیز بزرگی را در این صورت از دست داده است و زمانی می‌فهمد که آسمان‌ها آماده انفجار شوند، زمین دو نیم شود و کوه‌ها به طور کلی تخریب شوند»، از آنجا که دیدگاه کلیدی در مورد اسلام آخرت است که اعمال به خود انسان بازمی‌گردد و نسبت به تمام اعمالی که مرتکب شده، مجازات می‌شود، او مجبور به حمایت از دستاوردهای حال برای آیندگان است. آخرت‌شناسی نیرویی برای اجرای صحیح اعمال است. انسان

باید نشان دهد که نه تنها به عنوان یک امانتدار، بلکه به عنوان یک خلیفه خداوند نسبت به این امانت توجه دارد. طبیعت به عنوان یک امانت برای انسان است نه چیزی دیگر و انسان همراه به دست آوردن تقوای الهی حق چیره‌شدن را دارد، بدون اینکه مقاومت و جنگی در برابر آن داشته باشد و انسان نباید از قدرت، توانایی‌ها، استعدادها و حقوقش بدون در نظر گرفتن مسؤولیتش در امانتداری، از امانت بد استفاده کند. وحی و شریعت نیز برای راهنمایی انسان در به جا آوردن همان امانتداری آورده شده است (۱۸). از این منظر نیز اثبات می‌شود که حفاظت از کاربری زمین برای حفاظت از نسل‌های آینده ضرورت دارد.

خطاب‌های عام قرآن مبنی بر این که آنچه در آسمان‌ها و زمین است مسخر و فرمانبردار شما قرار داده شده یا خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین و بین آنهاست، برای شما آفریده است یا زمین را خداوند برای مردم قرار داد. این آیات به طور صریح دلالت دارند بر اینکه نعمت‌های خداوند به افراد خاص، گروه‌های خاص و حتی مردم زمان یا مکان خاصی اختصاص ندارد، بلکه همه مردم در بهره‌برداری از آنها شریک هستند و بنابراین این امر، استفاده از زمینی در جهت اهداف شخصی از جمله در زمینه حفاظت از کاربری اراضی زراعی ممنوع می‌باشد (۱۹). در دین اسلام، قاعده‌های عملی تضمین‌کننده عدالت بین نسلی و درون نسلی نیز وجود دارد که برخی از این قاعده‌ها، عدالت را در سطوح محدودتر مانند خانواده‌ها، عشیره یا صنفی خاص محقق می‌سازند، اما کاربرد برخی فراگیر بوده و در تحقق عدالت در درون یک نسل و بین نسل‌ها کارایی دارد. این قاعده‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

دسته نخست مربوط به نهادهایی است که به وسیله شارع بنا شده و در آنها، رفتارهای اقتصادی، از جمله استفاده از زمین به گونه‌ای تنظیم شده که عدالت بین نسلی را هرچند به صورت محدود محقق می‌سازند که از آن جمله می‌توان به وقف و وصیت اشاره کرد؛ دسته دوم مربوط به قاعده‌ها و اصولی است که کاربری آنها فراگیر بوده و به منظور تحقق عدالت در درون نسل‌ها و بین نسل‌های گوناگون تشریح شده

است، مانند اصل تشریح مالکیت دولتی و عمومی برای منابع طبیعی که زمینه را برای استفاده همه باز می‌نماید.

از سوی دیگر، از طریق روایت‌هایی که درباره اراضی مفتوح عنوه (۲۰)، یعنی زمین‌هایی که با جنگ به تصرف مسلمانان درآمده باشد، وارد شده می‌توان اهمیت اسلام به نسل‌های آینده را پی برد. بنابراین می‌توان به این امر پی برد که من حیث‌المجموع در حقوق اسلام به عدالت بین نسلی در زمینه حفاظت از اراضی زراعی و کاربری آن‌ها توجه خاصی شده است.

۵-۲-۱. قاعده لاضرر در زمینه حفاظت از کاربری اراضی زراعی و ارتباط آن با تعهدات بین نسلی: از آنجایی که ضرر به صورت مطلق نفی شده است، شامل ضرر به فرد یا جمع و ضرر بر انسان و محیط طبیعی، از جمله اراضی زراعی و... می‌شود، البته در این که ضرر شامل ضرر نزدیک یا دور می‌شود، در بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی بر این باورند که فعلی که ضرر نزدیک و یا دیر هنگام نداشته باشد، مباح است. در این دیدگاه، منظور از ضرر نزدیک ضرر دنیوی است که بر اساس عرف و عادت شناسایی شده و منظور از ضرر دیر هنگام، ضرر اخروی است که از آن به عنوان عقاب یاد می‌شود. از نظر این گروه از آنجا که ضرر دیر هنگام دنیوی وجود ندارد، بنابراین نمی‌توان آن را نیز مطالبه نمود (۲۱). نکته مهم در اینجا با توجه به مباحث عدالت بین نسلی ناظر بر انتقال منابع طبیعی، از جمله اراضی زراعی از یک نسل به نسل دیگر بدون استفاده ضررآمیز نسل فعلی از منابع مزبور نسبت به نسل‌های آینده می‌باشد. از این رو ضرری به صورت مستتر در این مفهوم مورد نظر است که بلندمدت و دیر هنگام دنیوی باشد. بنابراین از نظر این گروه احتمالاً جایگاهی نداشته و این موضوع بر تحقق مفهوم عدالت بین نسلی در حفاظت از کاربری اراضی زراعی نیز تأثیرگذار می‌باشد. در مورد مفاد لاضرر قول‌های مختلفی بیان شده است نظر مرحوم شیخ انصاری این است که لاضرر نفی حکم ضرری می‌نماید (به غیر احکامی که به خاطر مصالحی ضرر را موجه می‌داند، مانند حکم به خمس و زکات و جهاد) اگر حکم شرعی موجب ضرر شود، از چنین حکمی چشم‌پوشی می‌شود (۲۲). طبق دیدگاه موجود اگر حکمی

صادر شود و ضرری باشد، لاضرر مانع به انجام رسیدن آن می‌باشد، اما اگر جایی عدم صدور حکم در موردی موجب ضرر شود، قاعده لاضرر دیگر حکم فرما نخواهد بود. قاعده لاضرر که بیانگر مفاد حدیث لاضرر است، بیان می‌دارد: در اسلام از طرف شارع هیچ حکم ضرری وضع نگردیده است. بر این اساس ضرر زدن به دیگران نیز جایز نمی‌باشد. بنابراین تخریب طبیعت و منابع طبیعی که یکی از بارزترین مصادیق آن در ارتباط با تغییر کاربری اراضی زراعی است از روشن‌ترین نمونه‌های زیان‌رسانیدن به دیگران است که اسلام آن را با قاطعیت مردود دانسته است و از آنجا که تغییر کاربری اراضی و تبدیل آن به مسکونی می‌تواند موجب عدم انتفاع نسل‌های آینده از حقوقی مانند حق بر غذا و... شود و یک فعل متضمن ضرر است نیز می‌تواند از مصادیق این حکم باشد. به دلالت این قاعده می‌توان ضمان قهری تغییردهندگان غیر مجاز کاربری اراضی زراعی را از طریق نفی ضرر غیر متدارک و ملازمه ضرر با جبران و همچنین استفاده از شمول احکام عدمی، مورد بررسی قرار داد. مرحوم مراغی در تلاش بود تا از طریق این حدیث مسؤلیت مدنی را به اثبات برساند. در نظر ایشان، روایات لاضرر یک حکم دستوری را بیان کرده و دلالت بر نهی می‌کند، لذا اگر در خارج ضرری وارد شود حکم به اضرار به تنهایی اکتفا نمی‌کند، بلکه باید راهی برای دفع ضرر یافت.

پس از ذکر کلیات ممکن است این سؤال مطرح شود که قاعده لاضرر چه ارتباطی با بحث عدالت بین نسلی در حفاظت از کاربری اراضی زراعی کشور پیدا می‌کند. این ارتباط از چند بُعد است. نخستین مسأله اینکه چنین ارتباطی به بحث ماهیت ضرر در فقه اسلامی بازمی‌گردد. استفاده مفید از محیط طبیعی، از جمله استفاده از اراضی زراعی برای کشاورزی و تولید غذا موجب شادابی روح و جسم انسان - به دلیل تغذیه - می‌گردد و می‌تواند مقدمه‌ای جهت عمل کردن بهتر به وظایف دینی، اجتماعی، شغلی و... باشد، بنابراین استفاده سالم و عقلایی از محیط طبیعی از جمله اراضی زراعی دارای فواید عقلایی و معتنابه است و بر این اساس می‌توان آن را دارای برتری دانست (۲۳). بنابراین چنین استفاده‌ای اقتضا می‌دارد

که هرگونه استفاده ضررآمیز برای نسل کنونی و نسل آینده ممنوع اعلام گردد. از این رو قاعده لاضرر با بحث عدالت بین نسلی در حفاظت از کاربری اراضی زراعی ارتباط پیدا می‌نماید. دین مقدس اسلام نه تنها نسبت به بحث تخریب محیط طبیعی که یکی از جنبه‌های بارز آن در زمینه تغییر کاربری اراضی زراعی نمود پیدا می‌نماید، به ضرر نسل آینده به صورت غیر مستقیم حساس بوده، بلکه در مقابل با ایجاد نهادهایی مانند احیای موات سعی نموده است که محیط طبیعی مطلوبی برای نسل آینده حاصل شود (۲۴). از سوی دیگر، دو مصداق محیط طبیعی و حفاظت از کاربری اراضی زراعی است که در نظام حقوق اسلامی به بحث عدالت گره خورده است و می‌توان بر مبنای قاعده لاضرر نیز آن را توجیه نمود: ۱- برهم خوردن نظام اکوسیستم طبیعت توسط انسان از طریق تغییر کاربری اراضی و تبدیل به مسکونی و یا تجاری که به معنای برهم خوردن حقوق عناصر زیست محیطی و در واقع تهی شدن منابع طبیعی توسط انسان از انرژی، ذخایر زیرزمینی و مواد غذایی و به طور کلی منابع تجدیدناپذیر است؛ ۲- تغییر کاربری اراضی زراعی همواره با بحث آلودگی‌های مختلف بر محیط طبیعی اطراف، از جمله ساخت مسکن، ایجاد آلودگی‌های صوتی و انسانی همراه بوده و این آلودگی عناصر اصلی حیات و تغذیه انسان را به خاطر می‌اندازد (۲۵).

نهایتاً قواعد دیگری در کنار قاعده لاضرر وجود دارند که تقویت‌کننده گفتمان عدم ضرررسانی به محیط طبیعی به واسطه حفاظت از کاربری آن‌ها نسبت به نسل‌های فعلی و آینده می‌باشند. یکی از مشهورترین آن‌ها قاعده فقهی «کل من له الغنم فعلیه الغرم» می‌باشد که بر مبنای آن، هر کس را که غنیمتی است غرامت هم برای اوست. منطق این قاعده بر این نکته مبتنی است که هر شخصی در هر جریانی اعم از تولید یا مصرف نفعی را کسب کند، بایستی هزینه‌ها و خسارات وارده از قبل آن را نیز تقبل نماید (۲۶).

۵-۲-۱-۲. قاعده اتلاف و عدالت بین نسلی در حفاظت از کاربری اراضی زراعی: تغییر کاربری اراضی زراعی و خسارات ناشی از آن، یکی از معضلات اساسی جوامع صنعتی و شهری امروز و یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی است که در سیاست

جنایی کشورها و نیز مباحث حقوق بشری بدان‌ها پرداخته شده است. از این رو با توجه به لزوم جبران هر نوع ضرر و زیان در اکثر نظام‌های حقوقی، مطالعه و ارزیابی و بحث از مسؤولیت مدنی ناشی از خسارات به این اراضی از طریق تغییر کاربری غیر مجاز از جایگاه ویژه‌ای در علم حقوق برخوردار خواهد بود. در حقوق اسلام نیز اصول و قواعد کلی درباره ضمان و مسؤولیت وجود دارد که در چهره قواعدی چون اتلاف، تسبیب، لاضرر و... تجلی یافته است که بخش دیگری از مبانی فقهی عدالت بین نسلی در زمینه حفاظت از کاربری اراضی زراعی را تشکیل می‌دهد (۲۷). علاوه بر قاعده لاضرر به قواعد دیگری نیز در زمینه ضرورت توجه به عدالت بین نسلی در حفاظت از کاربری اراضی زراعی استناد شده است، مانند قاعده اتلاف که از موجبات ضمان قهری در فقه شیعه است که مضمون آن ضمان آوردن هرگونه تغییر غیر مجاز کاربری اراضی است که اتلاف محسوب می‌شود. این قاعده به استناد حدیث مشهور «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» ایجاد گردیده است. در این نظریه، برخی از فقها تمسک به آن قاعده را عقلایی و بدیهی شمرده‌اند. برای مثال نراقی در عناوین می‌گوید اثبات اینکه اتلاف موجب ضمان است، نیازمند ادله نمی‌باشد. صاحب جواهر در این خصوص می‌گوید اگر این مطلب را ضروری ندانیم، قطعاً اجماع منقول و محصل در مورد آن دلالت دارد. برخی از فقها این نظریه را متن روایت نمی‌دانند، بلکه آن را یک قاعده اصطیادی تلقی می‌نمایند، البته علامه حلی بیان می‌دارد «القولہ من اتلف ضمن» می‌توان برداشت نمود که این نظریه منصوص است و با عبارت «القولہ» آن را مستند به معصوم می‌نماید. از تقریرات مرحوم محقق داماد چنین برمی‌آید که ایشان این قاعده را منصوص می‌دانند. در مقابل، صاحب جواهر آن را قاعده مشهور در زبان فقها می‌داند و منصوص بودن آن را رد می‌نماید. در هر صورت، نظریه اتلاف می‌تواند در مصادیق مختلف تغییر غیر مجاز کاربری اراضی و جبران خسارت وارده بر آن نقش مناسب و پررنگی را ایفا نماید، به این دلیل که هر فردی محیط طبیعی را تخریب نماید که یکی از جلوه‌های بارز آن در زمینه تغییر کاربری اراضی زراعی است، در برابر آن ضامن است.

اتلاف اراضی زراعی که یکی از نتایج اصلی تغییر غیر مجاز اراضی می‌باشد، در نهایت موجب از دست‌رفتن محیط طبیعی برای نسل آینده می‌گردد، موجب ضمان در حقوق اسلام می‌گردد و همین نهاد ضمان یکی از موانع جدی در مقابل تغییر غیر مجاز کاربری اراضی برای نسل آینده می‌باشد.

۳-۱-۲-۵. قاعده تسبیب و ارتباط آن با حفاظت از کاربری اراضی زراعی با تأکید بر رویکرد عدالت بین نسلی: بر اساس این نظریه، هر کس سبب خسارت و تلف مال غیر از هر طریقی، از جمله تغییر غیر مجاز کاربری اراضی شود، باید از عهده خسارات وارده برآید. بنابراین در این نظریه، اثبات رابطه سببیت اهمیت ویژه‌ای دارد. علیرغم اینکه نظریه اتلاف تناسب بیشتری با اهداف حفاظت از کاربری اراضی زراعی دارد و می‌تواند به گونه حداکثری این وضعیت را تأمین نماید، لیکن باید از نظریه رقیب در فقه امامیه یاد نمود که ناظر بر قاعده مشهور تسبیب است. در اینجا مشابه نظریه خطر یا مبتنی بر تقصیر، استناد فعل به عامل زیان اهمیت دارد که از منظر آموزه‌های حقوق محیط طبیعی، از جمله اراضی زراعی بسیار قابل انتقاد است. این نظریه که در حقوق کنونی بسیاری از کشورها نیز پذیرفته شده است. نظریه‌ای مناسب برای جبران کامل، سریع و مناسب خسارات وارد بر اراضی زراعی به واسطه تغییر کاربری آن‌ها نیست، چراکه در غالب موارد مربوط به خسارات وارد بر اراضی زراعی به واسطه تغییر کاربری آن‌ها، اسناد رابطه سببیت با دشواری‌های بسیار رو به رو است. فقهای امامیه این نظریه را مورد نقد قرار داده‌اند. صاحب جواهر چنین قاعده‌ای را از روایات پراکنده قابل استخراج نمی‌داند و معتقد است موجب مسؤولیت مدنی اتلاف است و نه تسبیب و در صورت فقدان اتلاف نیز معیار و ضابطه، روایات متعددی است تنها می‌توان با الغای خصوصیت، ضمان را به موارد مشابه سرایت داد. برخی از فقها نیز ضمن تصدیق منشأ اتلاف برای ضمان، صرفاً تحقق عرفی اتلاف را مبنای مسؤولیت قرار داده‌اند، البته برخی از فقها نیز قاعده تسبیب را قاعده‌ای مستقل فرض نموده‌اند. به طور مثال مرحوم بروجردی در استقلال قاعده انصاف ذکر نموده است که انصاف این است که از روایت قاعده کلی استظهار شود و آن قاعده از روی عمد و

اختیار به طوری که نزد عرف و عقلا تلف به او استناد شده و فعل دیگری فاصله نشود. فاعل چنین سببی، ضامن است.

۲-۲-۵. مبانی حقوقی: در این قسمت به مبانی حقوقی حفاظت از کاربری اراضی پرداخته خواهد شد.

۱-۲-۲-۵. اصل پنجاهم قانون اساسی ج.ا.ا: قانون اساسی به عنوان منشور ملی و یک ضرورت ارجح، مهم‌ترین و عالی‌ترین سند بالادستی در هر نظام حقوقی و از جمله نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود، به طوری که بر طبق اصل سلسله مراتب، سایر قوانین، از جمله قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها بایستی بر مبنای آن تدوین و توسعه یابند (۲۸). اصل پنجاهم قانون اساسی ج.ا.ا به عنوان مهم‌ترین اصل قانونی در کشور ما در زمینه حفاظت از اراضی کشور که جزء محیط زیست تلقی می‌شوند، محسوب می‌گردد و در مباحث مختلف از آن استفاده می‌گردد. این اصل مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

اصل پنجاهم قانون اساسی از جنبه‌های مختلف برای مبارزه با حفاظت از کاربری اراضی در ایران برای نسل‌های آینده می‌تواند مبنای قرار گیرد: اول آنکه این اصل به اصل مهم مسؤولیت بین نسلی اشاره می‌کند، این امر می‌رساند که مبارزه با تغییر کاربری اراضی به عنوان یک مقوله زیست‌محیطی برای حفاظت از این اراضی برای نسل‌های آینده ایران لازم و ضروری می‌باشد. تعبیر مشابهی از اصل پنجاهم قانون اساسی پیش از این در مواد ۱۴ و ۱۵ پیش طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی آمده است: «کلیه انسان‌ها (اعم از نسل حاضر و نسل آینده) به صورت گروهی حق دارند از محیط زیست سالم و متعادل از نظر محیط زیستی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار شوند.»

اگرچه موضوع حفاظت از اراضی زراعی در قالب کلی‌تر محیط زیست به طور خاص در اصل ۵۰ قانون اساسی

تدوین قوانین را می‌توان در اصل ۶ و بند ۶ اصل ۳ استنباط نمود و این بدان معناست که چنین ظرفیت قانونی حتی در قانون اساسی ایران مد نظر قرار گرفته است، البته در این خصوص نظرات و حتی رویکردهای قانونی متعارض وجود دارد، به نحوی که برای نمونه بر طبق بند ۱۱ ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶، یکی از مصادیق امور حاکمیتی، حفظ محیط و منابع طبیعی معرفی شده است و در این راستا، نهادها و سازمان‌های مختلفی توسط دولت شکل گرفته و وظیفه حفاظت را انجام می‌دهند (۳۱).

۵-۲-۲-۲. سند افق چشم‌انداز: اصولاً چشم‌اندازها جهت‌گیری کلی‌تر نظام سیاسی - اجتماعی در حوزه‌های گوناگون اعم از سیاست، اقتصاد، محیط طبیعی، فرهنگ و اجتماع یک جامعه را در دوره طولانی‌تر بیان داده و شکل می‌دهند. سند چشم‌انداز در ایران سابقه زیادی ندارد. سال مبنای اجرایی سند چشم‌انداز ۱۳۸۴ می‌باشد که هم‌زمان با اجرای برنامه چهارم توسعه می‌باشد (۳۲). با ابلاغ سند چشم‌انداز بیست ساله، مسیر تکامل توسعه در دو دهه آینده کشور ترسیم گردیده است. در همین راستا، اهداف چهار برنامه پنج ساله توسعه باید می‌توانست و بتواند ایران را در بیست سال منتهی به ۱۴۰۴ به سر منزل مقصود برساند (۳۳). با توجه به جایگاه کنونی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای جنوب غرب، تحقق سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ خورشیدی مستلزم نگاهی چندجانبه به مقوله امنیت است و غفلت از هر یک از جنبه‌های امنیت به معنای نادیده‌گرفتن بخشی از سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی با توجه به واقعیت‌های موجود و در نتیجه توسعه ناپایدار است (۳۴). از این بعد، امنیت محیط طبیعی، از جمله اراضی زراعی و حفاظت از کاربری آن‌ها می‌تواند به عنوان یکی از جلوه‌های بارز امنیت بر مبنای سند افق ۱۴۰۴ تعبیر گردد و بنابراین حفاظت از محیط آن‌ها هم برای نسل کنونی و هم برای نسل آینده در این جهت حرکت می‌نماید. همان‌گونه که از متن سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ برمی‌آید راهبرد کلان این سند چشم‌انداز در بهبود عملکرد سازمان‌های دولتی در راستای دست‌یازیدن به تعاملی است که در عین

جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است، در اصول دیگر قانون اساسی نیز ابعاد مختلفی از مسائل مرتبط با حفاظت از کاربری اراضی زراعی قابل استنباط است، چه در فصل سوم، یعنی «حقوق ملت» و چه در فصل چهارم که به اقتصاد و امور مالی اختصاص دارد، قانون اساسی به طور ضمنی ابعادی از آن را مد نظر قرار می‌دهد. حقوقی مانند حق حیات (اصل ۴۲)، حق بهداشت (اصل ۴۳)، منع اسراف و تبذیر در کلیه شؤون اقتصادی (اصل ۴۴)، مدیریت انفال و ثروت‌های عمومی (اصل ۴۵)، از جمله مواردی هستند که به هر حال با محیط طبیعی پیوند دارند (۲۹)، اگرچه اصل تعهدات بین نسلی در شاخه‌های دیگر حقوق، از جمله در زمینه حقوق تأمین اجتماعی در قوانین جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است که از آن جمله می‌توان به اصل ۲۹ قانون اساسی در زمینه حق بین نسلی کارگران در برخورداری از تأمین اجتماعی اشاره ورزید. با توجه به نگاه ویژه اسلام به آینده انسان، افقی نامحدود در حوزه عدالت معنا خواهد یافت. همچنین با توجه به وظایف حکومت اسلامی در تحقق عدالت احتمالاً نقش مثبت و ایجابی برای دولت برای تأمین عدالت بین نسلی اثبات خواهد شد و با توجه به این امر، ارائه نظریه‌ای جامع در باب عدالت بین نسلی بر اساس مبانی اسلامی دور از دسترس نخواهد بود (۳۰).

یکی از نتایجی که می‌توان به طور غیر مستقیم از اصل ۵۰ قانون اساسی استنباط نمود و در زمینه سیاست جنایی ایران به ویژه در مبحث پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم تغییر غیر مجاز کاربری اراضی زراعی واجد اهمیت می‌باشد و در عمل بدان توجه نشده است، ضرورت مشارکت بخش‌های دولتی و غیر دولتی، یعنی سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه مدنی در روند تدوین قوانین حاکم بر حفاظت از کاربری اراضی زراعی می‌باشد. این موضوع به ندرت در روند قانونگذاری در این ارتباط مورد توجه قرار گرفته است و به نظر می‌رسد که با توجه به اینکه اصل تعهدات بین نسلی در وهله نخست مبتنی بر مشارکت عمومی بنا نهاده شده است، مشارکت بخش‌های غیر دولتی در این حوزه به نحو مؤثرتری می‌تواند در حفاظت از کاربری اراضی زراعی کمک نماید. مشارکت عمومی در روند

حفظ شاخصه تعامل برای منافع جمهوری اسلامی ایران سازنده و مفید است. در شرایطی که چشم‌انداز بیست ساله مسیر کلی و جهت‌گیری کلان کشور تا سال ۱۴۰۴ در چارچوب برنامه توسعه برون‌گرا و مبتنی بر راهبرد ارزیابی سازنده و مؤثر در ساختار تشکیل اداری تعیین نموده است، ضرورت طراحی و تدوین یک برنامه منسجم با رویکرد توسعه و تغییر در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله کشور بیش از پیش احساس می‌گردد. این ضرورت از آنجا ناشی می‌شود که توسعه و بهبود ساختار اداری باید در هماهنگی کامل با سند چشم‌انداز بوده و به صورت گام به گام و مرحله به مرحله با چشم‌انداز این مسیر بیست ساله را تا سال ۱۴۰۴ طی کرده و نقش و وظیفه خود را در قبال اهداف تعیین‌شده در این سند در راستای تأمین منافع ملی و تحقق توسعه کشور انجام دهد (۳۶).

توجه به مقوله حفاظت از کاربری اراضی در قالب کلی‌تر حفاظت از محیط زیست در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، نشان دیگری از اولویت‌بخشی نظام قانونگذاری و حقوقی کشور به موضوع این اراضی می‌باشد. سند چشم‌انداز آمیزه‌ای از داوری‌های مبتنی بر ایدئولوژی‌های نظام و واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیط زیستی جامعه است که تهیه و تنظیم آن، از آن رو که پیش‌بینی و ترسیم روندهای ممکن و مطلوب آتی را میسر می‌سازد، می‌تواند به اتخاذ مواضع و تعیین شیوه‌های برخورد با حوادث و اتفاقات، کمک شایانی نموده و بهره‌برداری درست و بهینه از منابع و فرصت‌ها را امکان‌پذیر نماید. اهمیت محیط زیست در این سند در قالب «بهره‌مندی از محیط زیست مطلوب» برای جامعه ایرانی درج شده است.

۳-۲-۲-۵. سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: این عبارات به نوعی دیگر در سند الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی که چشم‌انداز توسعه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۴۴ خورشیدی را نشان می‌دهند، درج شده است: «تا سال ۱۴۴۴ ایران به پیش‌تاز در تولید علوم انسانی اسلامی و فرهنگ متعالی در سطح بین‌المللی تبدیل شده و در میان پنج کشور پیشرفته جهان در تولید اندیشه، علم و فناوری جای گرفته و

از اقتصادی دانش‌بنیان، خوداتکا و مبتنی بر عقلانیت و معنویت اسلامی برخوردار و دارای یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیا است. تا آن زمان، سلامت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم شده؛ کشف منابع، خلق مزیت‌ها و فرصت‌های جدید و وفور نعمت برای همگان با رعایت عدالت بین نسلی حاصل شده است. فقر، فساد و تبعیض در کشور ریشه‌کن گردیده و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر و دسترسی آسان همگانی به نظام قضایی عادلانه تأمین شده است.» از بحث پایداری‌پذیری منابع طبیعی می‌توان همان حفاظت از کاربری اراضی زراعی را نیز استنباط نمود که برای حفاظت از محیط این اراضی برای نسل‌های آینده تأثیر به‌سزایی دارد. در بخش مربوط به تدابیر این سند نیز حتی به واژه‌های عدالت بین نسلی (بند ۲۴ تدابیر) و منابع طبیعی مواجه شده و این موضوع نشانگر آن است که بحث عدالت بین نسلی که خود مبتنی بر اخلاقیات است تا چه میزان در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران جای دارد.

۳-۵. خلأهای حاکم بر سیاست جنایی ایران در زمینه مبارزه با تغییر غیر مجاز کاربری اراضی با تأکید بر مباحث عدالت بین نسلی: در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۳-۵-۱. عدم توجه به علل تغییر کاربری: امروزه کشورها، با وضع مقررات سخت‌گیرانه در مورد منع تغییر کاربری و اجرای جدی آن، از اراضی کشاورزی، باغات، جنگل‌ها، مراتع، اراضی باتلاقی و سایر اراضی طبیعی خود محافظت و مراقبت نموده و همچنین شیوه‌های تشویقی و بازدارنده اتخاذ می‌کنند و در مورد جلوگیری از خردشدن اراضی، برخلاف کشور ما، که مهم‌ترین عامل خردشدن زمین، قوانین مربوط به ارث است و به همین لحاظ، سالانه میزان زیادی از اراضی کشاورزی به دلیل وجود مقررات موصوف، کوچک و کوچک‌تر می‌شود و امکان مکانیزاسیون و فعالیت‌های فنی و علمی را غیر عملی می‌سازد.

از آنجایی که در کشورهایی، از جمله فرانسه، آلمان و سوئد قوانین مربوط به ارث به گونه‌ای تدوین شده است که

به استفاده نسل حاضر نیست و دولت نیز اگرچه اصلی‌ترین مسؤولیت حفاظت را از آن‌ها را دارد، اما صرف نقش‌آفرینی دولت در این زمینه کفایت نمی‌نماید، بنابراین نمی‌توان صرفاً از طریق اعمال مجازات‌های قانونی و اتخاذ رویکردهای انتظامی - قضایی نسبت به حفاظت از کاربری این اراضی به ویژه برای نسل‌های آینده امیدوار بود. لذا اتخاذ یک رویکرد جامع در سیاست جنایی علیه تغییر کاربری غیر مجاز اراضی زراعی نیاز مبرم به مشارکت‌های مردمی دارد که البته اقداماتی در این راستا، از جمله ایجاد سامانه «سجام» توسط معاونت پیشگیری از جرم قوه قضاییه که یکی از کارکردهای اصلی در زمینه گزارش‌دهی مردمی در ارتباط با مصادیق مختلف تغییر کاربری اراضی زراعی است، صورت گرفته است.

با در نظرگرفتن همه این موارد باید اذعان کرد که نحوه تشخیص ماهیت و نوع اراضی در چارچوب نظام حقوقی ایران از انسجام کافی برخوردار نیست و تعریف مشخصی نیز برای متولیان و حتی شرایط مجریان آن در قوانین بیان نشده است که این خود موجب ضعف شدید آرای تشخیصی و به تبع آن موجب نقض راحت آن‌ها در مراجع قضایی می‌گردد.

موضوع مهمی که در خصوص تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها باید مورد اشاره قرار بگیرد، بحث اثرات این تغییرات بر جامعه و اقتصاد و فرهنگ می‌باشد. از دید کارشناسان، اثرات اجتماعی از مؤثرترین آثار این قبیل تغییرات هستند. این اثرات بالاترین همبستگی را با دیگر آثار و همچنین علل پنج‌گانه تغییر کاربری اراضی دارند. این موضوع بدان مفهوم است که مدیریت این آثار می‌تواند نقش قابل توجهی در بهبود و مقابله با سایر آثار و علل تغییر کاربری اراضی و در نتیجه خود تغییر کاربری اراضی کشاورزی، داشته باشد. آثار اقتصادی نیز به دلیل همبستگی بالا با سایر آثار و علل، بسیار حائز اهمیت هستند. در نهایت از آن جهت که آثار محیط زیستی دارای جنبه‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و جهان فعلی نسبت به این آثار بسیار حساس و سخت‌گیر است، درخور توجه و دقت نظر بسیاری است و نباید به هیچ عنوان کوچک و بی‌اهمیت پنداشته شوند. بدون شک مدیریت آثار، مستلزم اقدامات درمانی از جمله بهبود فضای زندگی در

بعد از فوت والدین، زمین در اختیار فرزندان ارشد به ویژه ذکور قرار گرفته و با سپردن کشت به یکی از فرزندان، سود و عواید آن بین کلیه ورثه تقسیم می‌شود یا اینکه با در نظر گرفتن دیگر دارایی‌های متوفی، طوری تصمیم گرفته می‌شود که با رضایت وراثت زمین به یک نفر و بقیه دارایی‌ها به افراد دیگر برسد. به این ترتیب تمهیداتی اندیشیده می‌شود تا زمین نیز همانند کارخانه و دیگر دارایی‌های اشخاص، قطعه‌قطعه نشود. در پایان می‌توان نتیجه گرفت که علیرغم نکات مثبت قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغات، باید به بررسی نکات انتقادپذیر آن نیز پرداخت.

۵-۳-۲. عدم ارتباط‌دهی میان حفاظت از کاربری اراضی با مباحث عدالت بین نسلی: عدم ارتباط‌دهی میان حفاظت از کاربری اراضی با مباحث عدالت بین نسلی یکی از چالش‌های اصلی در قوانین مربوطه می‌باشد. این نکته از آن رو مهم می‌باشد که به دلیل بحث‌هایی چون حق بر غذا برای نسل‌های آینده، مدیریت محیط طبیعی توسط دولت، ضرورت مشارکت جمعی در زمینه مبارزه با زمین‌خواری و... که به تبع عدالت بین نسلی مطرح می‌شوند؛ پیشگیری از تغییر غیر مجاز کاربری اراضی زراعی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند. از سوی دیگر، می‌توان ارتباط میان حفاظت از کاربری اراضی و عدالت بین نسلی را به عنوان یک ارتباط دوسویه و متقابل دانست بدین معنا که همان‌گونه که حفاظت از کاربری اراضی موجب انتفاع نسل‌های آینده از منافع اراضی زراعی، از جمله کشت انواع محصولات کشاورزی و تأمین امنیت غذایی می‌گردد به همان نسبت، تأکید بر مباحث مختلف عدالت بین نسلی نیز موجب حفاظت از کاربری اراضی می‌گردد.

۶. نتیجه‌گیری

اراضی زراعی نقش تعیین‌کننده‌ای در زمینه حفاظت از اکوسیستم طبیعی و زیست‌انسانی از طرق مختلف ایفا می‌نمایند و هرگونه تغییر در وضعیت آن‌ها، از جمله تغییر کاربری می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری بر استفاده پایدار از آن‌ها هم در ارتباط با نسل کنونی و هم در ارتباط با نسل آینده داشته باشد. منابع مربوط به محیط طبیعی صرفاً محدود

نواحی روستایی، توسعه فرصت‌های شغلی غیر کشاورزی در نواحی روستایی، توسعه بیمه محصولات کشاورزی، ترویج و حمایت برای استفاده از سوخت‌های پاک مانند انرژی خورشیدی و باد و جایگزین‌سازی این سوخت‌ها با سوخت‌های فسیلی و ترویج کشاورزی ارگانیک و کم‌نهاد می‌باشد.

۷. تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

۸. سهم نویسندگان

در انجام این تحقیق، نویسندگان به نحو ذیل ایفای نقش نموده‌اند:

روح‌الله مصطفی‌نژاد موسوی: نگارش مقاله.

صادق سلیمی: راهنمایی و نظارت بر نگارش مقاله.

کارن روحانی: ارائه مشاوره در تنظیم مقاله.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

References

1. Majidi S. Land use change in Iranian criminal law based on a case study of Karaj city. MA Dissertation. Karaj: University of Tehran Alborz Campus; 2016. p.121. [Persian]
2. Asghari S. A Study of Legal and Criminal Regulations of Changing the Use of Agricultural Lands Out of the City. MA Dissertation. Tabriz Iran: Pardi University of Tabriz; 2017. p.121. [Persian]
3. Babajani J, Pifeh A, Taghavifard M. Assessing the process of realization of intergenerational rights governing the consumption of revenues from the sale of oil and its implications from an economic perspective. *Quarterly Journal of Auditing Knowledge*. 2015; 58(14): 5-27. [Persian]
4. Rad A, Eftekhari M. Human Rights on Natural Resources, with Emphasis on Observing Intergenerational Justice in the Exploitation of Oil and Gas Resources. *Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies*. 2017; 8(4): 81-94. [Persian]
5. Fatemi M. Human Rights in the Contemporary World. Tehran: Shahr-e Danesh Publications; 2009. p.55. [Persian]
6. Khazaei H, Maleknia R, Nouri S. Assessing the Advantages and Gaps of Sustainable Forest Management Technology. *Journal of Wood and Forest Science and Technology Research*. 2017; 4(24): 147-167. [Persian]
7. Mohammadi A, Khodabandehloo B. Detection of land use changes in Zanjan city using object-oriented analyzes and Google Earth Engine system. *Geography and Environmental Planning*. 2020; 2(31): 25-42. [Persian]
8. Khakpour B, Velayati S, Kianejad Q. Pattern of land use change in the city of Babol. *Geography and Regional Development*. 2007; 5(9): 45-64. [Persian]
9. Tusi N, Safyaniyan A, Fakheran S. Investigation of land cover changes in the central region of Isfahan using land use metrics. *Applied Ecology*. 2013; 2(6): 77-87. [Persian]
10. Amanpour S, Kamelifar M, Bahmaei H. An analysis of land use change in metropolises using analysis of satellite images in ENVI environment "Case study: Ahvaz metropolis". *Geographical Information Quarterly*. 2017; 26(102): 139-150. [Persian]
11. Sadeghi H, Rajabali I. Analysis of the crime of land grabbing from the perspective of Iranian criminal law. *Legal Journal of Justice*. 2017; 97(81): 53-77. [Persian]
12. Dabiri M. Environmental pollution (air, water and soil). Tehran: Etihad Publishing; 2003. p.46. [Persian]
13. Sajedi A. A Study of the Role of Time and Place in Environmental Jurisprudence. *Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Legal Principles*. 2013; 16(5): 60-80. [Persian]
14. Gohari A, Bijani M. Absolute responsibility in destroying the environment from a jurisprudential point of view. *Quarterly Journal of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*. 2011; 24(7): 113-146. [Persian]
15. Asgari M, Tohidinia A. Fair discounting in the exploitation of finite natural resources. *Islamic Economic Studies*. 2012; 9(5): 59-82. [Persian]
16. Rad A. The scope of effectiveness of the Lazarar jurisprudential rule. *Islamic Law Quarterly*. 2010; 25(7): 63-89. [Persian]
17. Kakhki M, Maidani A, Adeli M, Hosseinzadeh M. Durkin and the issues of intergenerational justice: An introduction to the theory of equality in intergenerational sources. *Quarterly Journal of Theoretical Policy Research*. 2017; 21(1): 117-146. [Persian]
18. Mahdavi A, Soleimani I. Sociological Analysis of Collective Rights on the Environment. *Quarterly Journal of Islamic Azad University*. 2017; 36(1): 319-344. [Persian]
19. Farahanifard S. Intergenerational justice in the exploitation of natural resources. *Islamic Economics Quarterly*. 2007; 25(7): 125-156. [Persian]
20. Zanjani H. Anfal or public wealth. *Humanities Quarterly*. 2006; 41(1): 20-40. [Persian]
21. Hekmatnia M. Lazarar as a theory in the structure of the jurisprudential and legal system. *Quarterly Journal of Women's Strategic Studies*. 2011; 51(13): 7-41. [Persian]
22. Amigh M. An Introduction to Environmental Jurisprudence. *Journal of Jurisprudence of the Institute of Islamic Sciences and Culture*. 2009; 59(16): 97-120. [Persian]
23. Rahni M. A Study of the Jurisprudential Principles of Environmental Protection. *Quarterly Journal of Jurisprudence and History of Civilization*. 2010; 25(6): 177-195. [Persian]
24. Shirazi N. Al-Qawa'id al-Faqih. Qom: School of Imam Amir al-Mu'minin; 1990. p.81-84. [Arabic]

25. Maghrebi H. Ethical principles of environment from the perspective of Islam. *Quarterly Journal of Medical Ethics*. 2009; 8(3): 11-44. [Persian]
26. Lotfi H, Molaei A. The position of the polluting payment principle in the Iranian environmental law system. *Quarterly Journal of Legal Perspectives, Faculty of Judicial Sciences and Administrative Services*. 2016; 49(1): 65-92. [Persian]
27. Entezari A, Damad M. The Role of the Rules of Waste and Causation in Environmental Civil Liability. *Quarterly Journal of Islamic Studies*. 2012; 89(44): 30-50. [Persian]
28. Kadkhodai A, Mohammadi A. Legitimacy of the Constitution. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*. 2005; 70(1): 309-336. [Persian]
29. Sarnaghi R, Salehi M, Javadi H. The Lazarar rule and the right to the environment with emphasis on Lake Urmia. *Quarterly Journal of Echo Hydrology*. 2018; 1(5): 331-341. [Persian]
30. Kakhki M, Maidani A, Adeli M, Hosseinzadeh M. Critique of theories of liberal intergenerational justice. *Quarterly Journal of Islamic Economic Studies*. 2017; 2(9): 31-58. [Persian]
31. Mashhadi A. Government and environment; From non-governmental approaches to participatory approaches. *Government Research Quarterly Journal of the Faculty of Law and Political Science*. 2016; 8(2): 58-80. [Persian]
32. Arjmand M. Vision Document of 1404 and the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran in Achieving Regional Superior Power. *Quarterly Journal of Tehran University*. 2009; 1(39): 67-90. [Persian]
33. Atafar A, Ansari M, Talebi H, Tabatabai A. Vision Document of 1404, Law of the Fourth Development Plan and Fundamental Changes Required by Universities (Case Study: Malek Ashtar University of Technology). *Quarterly Journal of the Iranian Higher Education Association*. 2009; 4(1): 21-46. [Persian]
34. Eftekhari A, Anari M, Meisami H. Re-reading the Security Requirements of the Vision Document of the Islamic Republic of Iran on the Horizon of 1404: A Multilateral Approach. *Strategy Quarterly*. 2011; 58(20): 437-462. [Persian]
35. Firoozabadi J. A Conceptual Framework for Evaluating the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Shadan Publications; 2008. p.4. [Persian]